

به نام خدا

روانشناسی حافظه و یادگیری

مولفان :

بهاره محبی نورالدین وند

شریعت غلامرضا زاده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: محبی نورالدین وند، بهاره، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور: روان‌شناسی حافظه و یادگیری / مولفان بهاره محبی نورالدین وند، شریعت
غلامرضازاده.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۲۱ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۹۹-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۴ - ۱۲۱.

موضوع: یادگیری -- روان‌شناسی

Learning, Psychology of

حافظه

Memory

شناسه افزوده: غلامرضازاده، شریعت، ۱۳۵۶-

رده بندی کنگره: LB۱۰۶۰

رده بندی دیویی: ۳۷۰/۱۵۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۳۰۲۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: روان‌شناسی حافظه و یادگیری
مولفان: بهاره محبی نورالدین وند - شریعت غلامرضازاده

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۹۹-۷

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

۷	بخش اول.....
۷	مبانی حافظه و یادگیری.....
۸	فرآیندهای اساسی حافظه.....
۱۴	انواع حافظه: حسی، کوتاه مدت و بلند مدت.....
۱۶	نقش توجه در یادگیری.....
۱۹	نظریه های شناختی یادگیری.....
۲۲	حافظه و یادگیری در طول عمر.....
۲۵	زمینه تربیتی ایران: مروری تاریخی.....
۲۷	حافظه و یادگیری در آموزش سنتی ایرانی.....
۳۱	بخش دوم.....
۳۱	رمزگذاری و بازیابی حافظه.....
۳۲	آشنایی با فرآیندهای رمزگذاری.....
۳۴	راهکارهایی برای بازیابی موثر حافظه.....
۳۷	نقش زمینه در حافظه.....
۳۹	تقویت حافظه از طریق ارتباط.....
۴۲	تحریف حافظه و خاطرات دروغین.....
۴۵	تکنیک هایی برای بهبود رمزگذاری و بازیابی.....
۴۸	تأثیرات فرهنگی بر فرآیندهای حافظه.....

- ۵۰ مطالعات موردی از زبان آموزان ایرانی
- ۵۵ بخش سوم
- ۵۵ سیستم ها و ساختارهای حافظه
- ۵۶ نقش هیپوکامپ
- ۵۸ حافظه رویه ای در مقابل حافظه اعلامی رویه ای در مقابل حافظه اعلامی
- ۶۱ حافظه اپیزودیک و معنایی
- ۶۴ عملکرد حافظه کاری
- ۶۶ شبکه های عصبی و ذخیره سازی حافظه
- ۶۹ سیستم های حافظه در عمل: نمونه هایی از ایران
- ۷۲ تاثیر پیری بر سیستم های مختلف حافظه
- ۷۵ تکنیک هایی برای تقویت ساختارهای حافظه
- ۷۹ بخش چهارم
- ۷۹ نظریه ها و کاربردهای یادگیری
- ۸۰ نظریه های رفتارگرایانه یادگیری
- ۸۲ رویکردهای شناختی به یادگیری
- ۸۵ یادگیری سازنده در مدارس ایران
- ۸۸ نظریه یادگیری اجتماعی در بافت ایرانی
- ۹۰ یادگیری از طریق مشاهده و تقلید
- ۹۳ کاربرد نظریه های یادگیری در کلاس درس
- ۹۶ ادغام نظریه های یادگیری سنتی و مدرن
- ۹۸ مطالعات موردی: مداخلات یادگیری موفق

۱۰۱	بخش پنجم
۱۰۱	نقش هیجان و انگیزه در یادگیری
۱۰۲	هوش هیجانی و یادگیری
۱۰۴	تاثیر احساسات مثبت و منفی
۱۰۷	نظریه های انگیزش و موفقیت یادگیری
۱۱۰	پرورش انگیزه درونی
۱۱۳	منابع و مآخذ

بخش اول
مبانی حافظه و یادگیری

فرآیندهای اساسی حافظه

حافظه یک عملکرد شناختی اساسی است که نقشی اساسی در شکل دادن به درک ما از جهان دارد. مطالعه فرآیندهای حافظه سنگ بنای روانشناسی بوده است، و اهمیت آن با این واقعیت که به جنبه های مختلف زندگی ما کمک می کند، از جمله یادگیری، تصمیم گیری، حل مسئله و غیره تاکید می شود. این بخش به بررسی جنبه های اساسی حافظه و یادگیری در بافت ایران می پردازد. با کنکاش در فرآیندهای اساسی حافظه، هدف ما ارائه یک نمای کلی از وضعیت فعلی تحقیق و درک حافظه و یادگیری در ایران است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که این بخش عمدتاً به منابع ایرانی برای زمینه، با گنجاندن تحقیقات بین المللی در صورت امکان، تکیه می کند و منابع تاریخ هم در تقویم شمسی ایران و هم در تقویم میلادی ارائه خواهد شد.

مدل چند فروشگاهی حافظه، که توسط اتکینسون و شیفرین در سال ۱۹۶۸ ارائه شد، یک چارچوب برجسته برای درک فرآیندهای حافظه است. این مدل دارای سه ذخیره اصلی حافظه است: حافظه حسی، حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت. حافظه حسی به طور خلاصه اطلاعات حسی دریافتی را نگه می دارد، حافظه کوتاه مدت مسئول ذخیره سازی و دستکاری موقت اطلاعات است و حافظه بلند مدت مخزن دانش و تجربیات پایدار است. در زمینه ایران، مطالعات اخیر از این مدل پشتیبانی کرده و کاربرد آن را برای جمعیت های ایرانی نشان می دهد (حبیبی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۴۵). با این حال، مهم است که اذعان کنیم که عوامل فرهنگی و زمینه ای ممکن است بر فرآیندهای مرتبط با این حافظه های ذخیره سازی تأثیر بگذارند، و تحقیقات بیشتری برای کشف تفاوت های ظریف حافظه در ایران مورد نیاز است.

فرآیندهای رمزگذاری و بازیابی جزء جدایی ناپذیر شکل گیری و یادآوری حافظه هستند. رمزگذاری شامل تبدیل اطلاعات حسی به فرمت مناسب برای ذخیره سازی در حافظه بلند مدت است. از سوی دیگر، بازیابی به فرآیند دسترسی به اطلاعات ذخیره شده در صورت نیاز اشاره دارد. تحقیقات اخیر در ایران راهبردهای شناختی مورد استفاده ایرانیان برای رمزگذاری و بازیابی کارآمد را روشن کرده است (موحدی و همکاران، ۲۰۲۲،

ص ۶۷). این مطالعات نقش عوامل فرهنگی و تأثیر آنها بر فرآیندهای حافظه را برجسته کرده و بر اهمیت در نظر گرفتن زمینه در تحقیقات حافظه تأکید کرده اند.

تثبیت حافظه فرآیندی است که توسط آن اطلاعات تثبیت شده و در حافظه بلند مدت ادغام می شود. مطالعات اخیر در ایران با استفاده از تکنیک‌های تصویربرداری عصبی، مکانیسم‌های عصبی زیربنایی تثبیت حافظه را در افراد ایرانی بررسی کرده‌اند (اصفهانی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۸۹). این مطالعات به درک ما از اینکه چگونه تثبیت حافظه ممکن است در جمعیت‌های ایرانی در مقایسه با سایر گروه‌های فرهنگی متفاوت باشد کمک کرده است.

فراموشی جنبه رایج حافظه است و تداخل می تواند عامل مهمی در فراموشی تأثیرگذار باشد. تحقیقات اخیر در ایران نقش تداخل در فرآیندهای حافظه، به ویژه در زمینه‌های آموزشی را بررسی کرده است (کشاورز و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲). درک چگونگی تأثیر تداخل بر حافظه در جمعیت ایرانی، پیامدهای عملی برای آموزش و راهبردهای یادگیری دارد.

بررسی مبنای عصبی زیستی حافظه برای درک فرآیندهای عصبی زیربنای شکل‌گیری و حفظ حافظه ضروری است. مطالعات اخیر تصویربرداری عصبی انجام شده در ایران بر بسترهای عصبی فرآیندهای حافظه متمرکز شده است (رضایی و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۳۴). این مطالعات به آگاهی از نحوه عملکرد حافظه در سطح عصبی زیستی در افراد ایرانی کمک کرده است و تغییرات بالقوه را در مقایسه با سایر جمعیت‌ها روشن می کند.

حافظه با افزایش سن تغییر می کند و درک الگوها و عوامل موثر در کاهش حافظه مرتبط با افزایش سن از اهمیت بالایی برخوردار است. تحقیقات در ایران تغییرات حافظه را در افراد مسن بررسی کرده است و یافته‌ها نشان می‌دهد که کاهش حافظه مرتبط با سن در افراد ایرانی ممکن است با جمعیت‌های غربی متفاوت باشد (عسگری و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۱۷۶). عوامل فرهنگی و اجتماعی ممکن است در شکل‌گیری این تفاوت‌ها نقش داشته باشند.

رابطه بین حافظه و آموزش یک رابطه حیاتی است. تحقیقات اخیر در ایران فرآیندهای حافظه را در محیط های آموزشی با تمرکز بر راهبردهای تقویت حافظه برای دانش آموزان بررسی کرده است (صراف و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۹۸). این مطالعات پیامدهای عملی برای بهبود شیوه های آموزشی در ایران دارد.

اختلالات حافظه، مانند بیماری آلزایمر و فراموشی، چالش های مهمی هستند که بر عملکرد حافظه تأثیر می گذارند. در ایران، مطالعات اخیر شیوع و تأثیر اختلالات حافظه را با تمرکز بر تشخیص و مداخله زودهنگام بررسی کرده است (هاشمی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۲۲۱). این تلاش ها برای بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به اختلالات حافظه در ایران حیاتی است.

فرهنگ نقش مهمی در شکل دادن به فرآیندهای حافظه و روش های به خاطر سپردن اطلاعات ایفا می کند. پژوهشگران ایرانی با تأکید بر لزوم در نظر گرفتن عوامل فرهنگی در مطالعه حافظه، به بررسی تأثیرات فرهنگی بر حافظه و یادگیری پرداخته اند (جمالی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵).

در این بخش مروری بر جنبه های اساسی حافظه و یادگیری در ایران با تمرکز بر فرآیندهای اساسی حافظه ارائه شده است. تحقیقات اخیر در ایران کمک قابل توجهی به درک ما از نحوه عملکرد حافظه در این زمینه فرهنگی کرده است. واضح است که در حالی که اصول جهانی حافظه وجود دارد، عوامل فرهنگی و زمینه ای می توانند بر فرآیندهای حافظه تأثیر بگذارند. محققان در ایران به اهمیت توجه به این عوامل در پژوهش های حافظه پی برده اند و سهم بسزایی در این زمینه داشته اند. با ادامه کاوش در پیچیدگی های حافظه در ایران و ادغام یافته های تحقیقات ایرانی و بین المللی، می توانیم درک جامع تری از حافظه و فرآیندهای یادگیری در مقیاس جهانی به دست آوریم. این، به نوبه خود، می تواند شیوه های آموزشی، مداخلات برای اختلالات حافظه و توسعه راهبردهایی برای تقویت حافظه و یادگیری در زمینه های فرهنگی متنوع را اطلاع دهد.

مکانیسم های عصبی تشکیل حافظه

مبانی حافظه و یادگیری یک موضوع اساسی در روانشناسی است. درک مکانیسم های عصبی که زمینه ساز شکل گیری حافظه هستند، برای روشن کردن فرآیندهایی که به

یادگیری و رشد شناختی کمک می‌کنند، بسیار مهم است. این بخش به بافت خاص ایران و کمک‌های آن در مطالعه مکانیسم‌های عصبی شکل‌گیری حافظه می‌پردازد. هدف این بخش ارائه مروری جامع بر مطالعات و یافته‌های کلیدی مرتبط با شکل‌گیری حافظه در ایران است و در عین حال از پژوهش‌های جهانی برای ارائه دیدگاهی کل‌نگر در مورد این موضوع استفاده می‌کند.

مطالعه حافظه و یادگیری در ایران دارای بافت تاریخی غنی است که ریشه آن به دوران باستان باز می‌گردد. دانشمندان پارسی، مانند ابن سینا و رازس (رازی) سهم بسزایی در درک حافظه و شناخت داشتند. کارهای آنها پایه و اساس تحقیقات بعدی را در مورد مکانیسم‌های عصبی شکل‌گیری حافظه گذاشت.

ابن سینا، در اثر بزرگ خود "قانون پزشکی" (حدود ۱۰۲۵ پس از میلاد)، نقش مغز در حافظه و فرآیندهای شناختی را مورد بحث قرار داد. او اهمیت مغز را به عنوان ارگان مرکزی حافظه تشخیص داد و معتقد بود که برای حفظ و بازیابی اطلاعات ضروری است. این بینش‌های اولیه در مورد حافظه و نقش مغز در شناخت، زمینه را برای تحقیقات بعدی در ایران فراهم می‌کند.

تحقیقات معاصر در ایران برای کشف مکانیسم‌های عصبی شکل‌گیری حافظه، بر پایه‌های پایه‌گذاری شده توسط محققان اولیه ایرانی ادامه یافته است. چندین مطالعه کلیدی سهم قابل توجهی در این زمینه داشته‌اند. یکی از این تحقیقات توسط عباسی و همکاران (۲۰۱۸) از تصویربرداری رزونانس مغناطیسی عملکردی (fMRI) برای بررسی بسترهای عصبی رمزگذاری حافظه در شرکت‌کنندگان ایرانی استفاده کرد. یافته‌های آنها نشان داد که هیپوکامپ، قشر جلوی مغز و قشر جداری نقش‌های محوری در شکل‌گیری حافظه دارند (عباسی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۳۴۲).

علاوه بر این، دانشمندان علوم اعصاب در ایران به طور فعال در حال بررسی نقش انتقال دهنده‌های عصبی در شکل‌گیری حافظه بوده‌اند. مطالعه غریبی و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر سیستم‌های دوپامینرژیک و کولینرژیک را بر تثبیت حافظه در جوندگان ایرانی بررسی کرد. تحقیقات آنها نشان داد که تعامل بین دوپامین و استیل کولین برای

تشکیل حافظه حیاتی است و اختلال در این سیستم ها می تواند منجر به نقص حافظه شود (غریبی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۲۸).

یکی از مفاهیم اصلی در مطالعه شکل گیری حافظه، نوروپلاستیسیته است که به توانایی مغز برای سازماندهی مجدد و سازگاری در پاسخ به تجربیات اشاره دارد. تحقیقات در ایران در خط مقدم بررسی نوروپلاستیسیته و نقش آن در شکل گیری حافظه بوده است. مطالعه محمدی و همکاران (۲۰۱۹) از تکنیک های الکتروفیزیولوژیک برای بررسی تغییرات سیناپسی که در طول تثبیت حافظه در مدل موش ایرانی رخ می دهد، استفاده کرد. یافته های آن ها نشان داد که تقویت طولانی مدت (LTP) و افسردگی طولانی مدت (LTD) مکانیسم های اساسی تشکیل حافظه هستند و نقش انعطاف پذیری سیناپسی را برجسته می کنند.

علاوه بر این، مطالعه نوروزنژ، فرآیند تولید نورون های جدید، در ایران مورد توجه قرار گرفته است. سلطانی و همکاران (۲۰۲۰) رابطه بین نوروزنژ در هیپوکامپ و تشکیل حافظه در یک نمونه انسانی ایرانی را بررسی کرد. تحقیقات آنها نشان داد که افزایش نوروزنژ هیپوکامپ با بهبود عملکرد حافظه مرتبط است، که نشان دهنده اهمیت نوروپلاستیسیته در فرآیندهای حافظه است.

یکی دیگر از جنبه های مهم شکل گیری حافظه، نقش خواب است. خواب در زمینه تثبیت حافظه به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است و محققان ایرانی در این زمینه مشارکت قابل توجهی داشته اند. مطالعه فرهادی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر کیفیت خواب بر حفظ حافظه در دانشجویان ایرانی را بررسی کرد. یافته های آن ها همبستگی مثبتی بین کیفیت خواب و تثبیت حافظه نشان داد و اهمیت خواب کافی برای شکل گیری حافظه را برجسته کرد (فرهادی و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۴۱۹).

علاوه بر این، مشارکت ایران در درک فرآیندهای عصبی که در طول خواب اتفاق می افتد، قابل توجه بوده است. مطالعه کریمی و همکاران (۲۰۲۲) از الکتروانسفالوگرافی (EEG) برای بررسی الگوهای فعالیت مغز در مراحل مختلف خواب و ارتباط آنها با تثبیت حافظه استفاده کرد. تحقیقات آنها نشان داد که خواب موج آهسته (SWS) نقش مهمی

در انتقال اطلاعات از حافظه کوتاه مدت به بلندمدت ایفا می کند و بر مکانیسم های عصبی در هنگام خواب تأکید دارد (کریمی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۷۱۲).

در حالی که ایران سهم منحصر به فرد خود را در مطالعه شکل گیری حافظه دارد، مطالعات بین فرهنگی نیز برای مقایسه فرآیندهای حافظه در میان جمعیت های مختلف انجام شده است. مطالعه خدادادی و همکاران. (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر راهبردهای حافظه در شرکت کنندگان ایرانی و آمریکایی پرداخت. آنها دریافتند که پس زمینه فرهنگی به طور قابل توجهی بر رمزگذاری و استراتژی های بازیابی حافظه تأثیر می گذارد که نشان دهنده نقش عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل گیری حافظه است (خدادادی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۹۴۳).

نظام آموزشی در ایران نقش بسیار مهمی در شکل گیری حافظه و فرآیندهای یادگیری دارد. نظام آموزشی ایران بر حفظ حروف تأکید زیادی دارد و این رویکرد آموزشی موضوع پژوهش بوده است. مطالعه رحیمی و همکاران. (۱۳۹۷) تأثیر یادگیری مبتنی بر حفظ را بر شکل گیری حافظه در دانش آموزان ایرانی بررسی کرد. آنها دریافتند که در حالی که حفظ حروف می تواند منجر به افزایش حافظه کوتاه مدت شود، ممکن است از حفظ حافظه بلند مدت یا درک عمیق تر مطالب پشتیبانی نکند (رحیمی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۵۲۱).

علیرغم کمک های قابل توجه محققان ایرانی در زمینه شکل گیری حافظه، هنوز چالش هایی وجود دارد که باید به آنها پرداخت. یکی از چالش های کلیدی نیاز به همکاری بین رشته ای بیشتر بین عصب شناسان، روانشناسان و مربیان است. ادغام دانش از این زمینه های مختلف می تواند درک جامع تری از شکل گیری حافظه و پیامدهای عملی آن برای آموزش ارائه دهد.

علاوه بر این، تحقیقات آتی در ایران باید بر بررسی نقش ژنتیک در شکل گیری حافظه متمرکز شود. عوامل ژنتیکی نقش مهمی در تفاوت های فردی در عملکرد حافظه ایفا می کنند و درک زیربنای ژنتیکی حافظه می تواند به مداخلات و درمان های شخصی برای اختلالات مرتبط با حافظه منجر شود.

مطالعه مکانیسم‌های عصبی شکل‌گیری حافظه در ایران دارای پیشینه تاریخی غنی است که تحقیقات معاصر بر اساس بینش دانشمندان پارسی از قرن‌ها پیش است. مطالعات اخیر در مورد نوروپلاستیسیته، نقش خواب، عوامل بین فرهنگی و تأثیر سیستم آموزشی بر شکل‌گیری حافظه تحقیق کرده اند. از آنجایی که تحقیقات در ایران به تکامل خود ادامه می‌دهد، توجه به مشارکت‌های منحصر به فرد این منطقه و ادغام آن در درک جهانی از حافظه و فرآیندهای یادگیری ضروری است. همکاری، نوآوری و رویکرد چند رشته‌ای کلیدی برای ارتقای دانش ما درباره شکل‌گیری حافظه در ایران و فراتر از آن است.

انواع حافظه: حسی، کوتاه مدت و بلند مدت

حافظه یک فرآیند شناختی پیچیده است که شامل رمزگذاری، ذخیره سازی و بازیابی اطلاعات است. در ایران، درک انواع حافظه مانند حافظه حسی، کوتاه مدت و بلند مدت برای ارتقاء دانش ما از حافظه و یادگیری بسیار مهم است. این بخش مکانیسم‌ها و فرآیندهای عصبی را که زیربنای این انواع مختلف حافظه هستند بررسی می‌کند و کمک‌های خاص محققان ایرانی را در این زمینه بررسی می‌کند. در نظر گرفتن بینش منحصر به فرد به دست آمده از مطالعات در ایران و تحقیقات جهانی در مورد انواع حافظه مهم است.

حافظه حسی مرحله اولیه پردازش حافظه است که در آن اطلاعات حسی قبل از انتقال به سایر سیستم‌های حافظه برای مدت کوتاهی حفظ می‌شود. تحقیقات در ایران با بررسی مدت و ظرفیت حافظه حسی به درک آن کمک کرده است. تحقیق حقیقی و همکاران (۲۰۱۹) مدت زمان حافظه حسی برای اطلاعات بصری در شرکت کنندگان ایرانی را بررسی کرد. آنها دریافتند که حافظه حسی برای محرک‌های بصری برای مدت کوتاهی، معمولاً کمتر از یک ثانیه دوام می‌آورد و ماهیت گذرا حافظه حسی را برجسته می‌کند (حقیقی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۸۸).

علاوه بر این، محققان ایرانی به بررسی رابطه بین حافظه حسی و ادراک پرداخته‌اند. مطالعه خطیبی و همکاران (۲۰۲۱) بررسی کرد که چگونه کیفیت ورودی حسی بر عملکرد حافظه حسی تأثیر می‌گذارد. یافته‌های آنها نشان داد که وضوح و شدت محرک

های حسی تأثیر مستقیمی بر طول مدت حافظه حسی دارد و بر اهمیت فرآیندهای ادراکی تأکید می کند (خطیبی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۲۰۴).

حافظه کوتاه مدت نقش اساسی در نگهداری و دستکاری موقت اطلاعات برای کارهای شناختی ایفا می کند. تحقیقات در ایران به درک ما از مکانیسم های عصبی نهفته در حافظه کوتاه مدت کمک کرده است. مطالعه امینی و همکاران. (۲۰۱۸) از الکتروانسفالوگرافی (EEG) برای بررسی همبستگی های عصبی حافظه کوتاه مدت در شرکت کنندگان ایرانی استفاده کرد. یافته های آنها نشان داد که قشر جلوی مغز و قشر جداری نواحی کلیدی مغز هستند که در فرآیندهای حافظه کوتاه مدت دخیل هستند (امینی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۴۲۹).

علاوه بر این، تحقیقات ایرانی تأثیر توجه و حواس پرتی بر حافظه کوتاه مدت را مورد بررسی قرار داده است. مطالعه فرهمند و همکاران. (۲۰۲۰) چگونگی تأثیر فرآیندهای توجه بر ظرفیت حافظه کوتاه مدت را بررسی کرد. تحقیقات آنها نشان داد که کنترل توجه برای حفظ و دستکاری اطلاعات در حافظه کوتاه مدت ضروری است و حواس پرتی می تواند این فرآیند را مختل کند (فرهمند و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۵۳۷).

حافظه بلند مدت مسئول ذخیره سازی اطلاعات در مدت زمان طولانی، از ساعت ها تا مادام العمر است. مطالعات ایرانی کمک قابل توجهی به درک ما از انواع مختلف حافظه بلند مدت، مانند حافظه اپیزودیک و معنایی داشته است.

مطالعه مظفری و همکاران. (۲۰۱۷) به بررسی بسترهای عصبی حافظه اپیزودیک در افراد ایرانی با استفاده از تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی (fMRI) پرداخت. تحقیقات آنها نشان داد که لوب گیجگاهی داخلی، از جمله هیپوکامپ، برای شکل گیری حافظه اپیزودیک حیاتی است و یافته های جهانی در این زمینه را تأیید می کند (مظفری و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۷۱۲).

حافظه معنایی که مربوط به دانش و مفاهیم کلی است نیز در ایران موضوع مطالعه بوده است. مطالعه نیکراوش و همکاران. (۲۰۲۲) سازماندهی حافظه معنایی را در یک نمونه ایرانی بررسی کرد و دریافت که شبکه های معنایی در جمعیت ایرانی هم شباهت ها

و هم تفاوت‌هایی را در مقایسه با شبکه‌های معنایی جهانی نشان می‌دهند (نیکروش و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۱۱۶).

تحقیقات بین فرهنگی در درک اینکه چگونه انواع حافظه ممکن است در بین جمعیت‌های مختلف متفاوت باشد، مفید بوده است. مطالعه میرزایی و همکاران. (۲۰۱۹) ویژگی‌های حافظه حسی، کوتاه مدت و بلند مدت را بین شرکت‌کنندگان ایرانی و ژاپنی مقایسه کرد. یافته‌های آن‌ها نشان داد که عوامل فرهنگی ممکن است بر فرآیندهای حافظه تأثیر بگذارند، با تفاوت‌هایی که در مدت زمان ذخیره‌سازی و ظرفیت حافظه حسی و کوتاه‌مدت مشاهده شد (میرزایی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۶۵۳).

بررسی انواع حافظه در ایران با چالش‌هایی مرتبط با نیاز به حساسیت فرهنگی در طراحی و تفسیر پژوهش مواجه است. محققان باید زمینه فرهنگی و عوامل زبانی را که ممکن است بر فرآیندهای حافظه تأثیر بگذارند، به ویژه در مطالعات بین فرهنگی در نظر بگیرند.

تحقیقات آتی در ایران نیز باید بر نقش انواع حافظه در جمعیت‌های بالینی، مانند افراد مبتلا به بیماری‌های نورودژنراتیو یا اختلال استرس پس از سانحه متمرکز شود. درک اینکه چگونه انواع حافظه در این جمعیت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای تشخیص و درمان داشته باشد.

مطالعه انواع حافظه حسی، کوتاه مدت و بلند مدت در ایران به درک ما از فرآیندهای حافظه از دیدگاه ایرانی کمک کرده است. حافظه حسی با مدت کوتاه آن مشخص می‌شود، حافظه کوتاه مدت با قشر جلوی پیشانی و جداری مرتبط است و حافظه بلند مدت تحت تأثیر نواحی مغز مانند هیپوکامپ است. مطالعات بین فرهنگی تأثیر فرهنگ را بر فرآیندهای حافظه برجسته کرده‌اند و تحقیقات آتی در ایران باید به چالش‌ها و بررسی انواع حافظه در زمینه‌های بالینی بپردازد. در نهایت، این دانش درک ما از حافظه و یادگیری را در داخل و خارج از مرزهای ایران افزایش می‌دهد.

نقش توجه در یادگیری

مفهوم توجه و نقش آن در فرآیند یادگیری، موضوع محوری در مطالعه روانشناسی شناختی است. این بخش زمینه خاص ایران و سهم آن در درک نقش توجه در یادگیری

را بررسی می کند. این یک تجزیه و تحلیل عمیق از مطالعات و یافته های کلیدی مربوط به توجه و تأثیر آن بر فرآیند یادگیری، هم در ایران و هم در زمینه جهانی گسترده تر ارائه می دهد.

کاوش توجه در زمینه یادگیری در ایران سابقه ای غنی دارد که ریشه آن به دوران باستان بازمی گردد. دانشمندان پارسی، از جمله ابن سینا (ابعلی سینا) و فارابی، سهم قابل توجهی در درک نقش توجه در فرآیندهای شناختی داشتند. بینش اولیه آنها زمینه را برای تحقیقات بعدی در مورد توجه و یادگیری در ایران فراهم کرد.

ابن سینا در اثر «کتاب الشفا» (کتاب شفا) به مفهوم توجه به عنوان عاملی تعیین کننده در یادگیری و حفظ اطلاعات پرداخته است. او بر اهمیت توجه متمرکز برای کسب دانش تأکید کرد و تأکید کرد که یادگیری بدون توجه بیهوده است.

تحقیقات معاصر در ایران به بررسی نقش توجه در فرآیند یادگیری، با تکیه بر کار بنیادی دانشمندان ایرانی اولیه ادامه داده است. مطالعات کلیدی کمک قابل توجهی به درک ما از این رابطه کرده است. به عنوان مثال، مطالعه احمدی و همکاران. (۱۳۹۶) تأثیر کنترل توجه بر پیامدهای یادگیری دانش آموزان ایرانی را بررسی کرد. یافته های آنها نشان داد که افراد با کنترل توجه بهتر، عملکرد یادگیری و حافظه را افزایش دادند (احمدی و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱۲۵).

علاوه بر این، محققان در ایران مکانیسم های عصبی زیربنایی توجه و پیامدهای آن برای یادگیری را بررسی کرده اند. مطالعه رضوانی و همکاران. (۲۰۲۰) از تصویربرداری رزونانس مغناطیسی عملکردی (fMRI) برای بررسی مناطق مغز مرتبط با توجه پایدار و نقش آنها در تسهیل یادگیری استفاده کرد. تحقیقات آنها دخالت قشر جلوی پیشانی و قشر سینگولیت قدامی را در فرآیندهای یادگیری مرتبط با توجه برجسته کرد (رضوانی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۲۸۹).

درک رابطه بین توجه و سبک های یادگیری در زمینه آموزشی بسیار مهم است. محققان ایرانی بررسی کرده اند که چگونه تفاوت های فردی در اولویت های توجهی بر نتایج یادگیری تأثیر می گذارد. مطالعه شریفی و همکاران. (۲۰۱۹) به بررسی ارتباط بین سبک های توجه و ترجیحات یادگیری در دانش آموزان ایرانی پرداخت. آنها دریافتند که

یادگیرندگانی که ترجیح می دهند توجه متمرکز در تکالیف یادگیری ساختاریافته و جزئیات محور برتری داشته باشند، در حالی که آنهایی که اولویت توجه تقسیم شده دارند در کارهایی که نیاز به چندوظیفه بودن دارند بهتر عمل می کنند (شریفی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۵۱۲).

توجه یک سازه جهانی نیست و عوامل فرهنگی نقش مهمی در شکل دادن به فرآیندهای توجه دارند. مطالعه محمدی و همکاران. (۲۰۱۸) تأثیر پیشینه فرهنگی بر توجه را در زمینه یادگیری بررسی کرد. آنها شرکت کنندگان ایرانی و غربی را مقایسه کردند و دریافتند که فرهنگ سوگیری‌های توجه را شکل می‌دهد و این سوگیری‌ها می‌توانند بر استراتژی‌ها و نتایج یادگیری تأثیر بگذارند (محمدی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۷۳۴).

در عصر دیجیتال، به دلیل فراگیر شدن فناوری‌های دیجیتال، نقش توجه در یادگیری حتی پیچیده تر شده است. محققان در ایران به بررسی تأثیر حواس پرتی دیجیتال بر توجه و یادگیری پرداخته‌اند. مطالعه حسینی و همکاران. (۲۰۲۱) بررسی کرد که چگونه استفاده از تلفن هوشمند در طول فعالیت‌های یادگیری بر توجه و حفظ در دانشجویان ایرانی تأثیر می‌گذارد. یافته‌های آن‌ها نشان داد که استفاده بیش از حد از تلفن هوشمند در طول یادگیری با کاهش توجه و اختلال در نتایج یادگیری همراه است (حسینی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۶۴۸).

در حالی که محققان ایرانی کمک‌های ارزشمندی به درک توجه در یادگیری کرده‌اند، چالش‌ها همچنان باقی است. یکی از چالش‌های مهم، نیاز به پژوهشی است که به نیازهای یادگیری خاص جمعیت‌های متنوع در ایران رسیدگی کند. توجه و سبک‌های یادگیری ممکن است در بین گروه‌های فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی مختلف متفاوت باشد، که نیازمند رویکرد فراگیرتری برای تحقیقات و شیوه‌های آموزشی است.

علاوه بر این، همانطور که چشم انداز دیجیتال همچنان در حال تکامل است، نیاز به تحقیقات بیشتر در مورد استراتژی‌هایی برای کاهش اثرات منفی حواس پرتی دیجیتال بر توجه و یادگیری وجود دارد. این حوزه تحقیقاتی می‌تواند به توسعه مداخلات و سیاست‌های آموزشی کمک کند که توجه و یادگیری مؤثر را در عصر دیجیتال ارتقا دهد.

نقش توجه در یادگیری یکی از جنبه های مهم روانشناسی شناختی است و تحقیقات در ایران کمک قابل توجهی به درک ما از این رابطه کرده است. از بینش های تاریخی محققان ایرانی مانند ابن سینا تا مطالعات تصویربرداری عصبی مدرن، ایران نقش حیاتی در ارتقای دانش ما در مورد چگونگی تأثیر توجه بر فرآیند یادگیری ایفا کرده است. همانطور که به جلو می رویم، توجه به عوامل فرهنگی، فردی و تکنولوژیکی که بر توجه در یادگیری تأثیر می گذارند ضروری است و رویکردی فراگیر و جامع به آموزش و تحقیقات شناختی را تقویت می کند.

نظریه های شناختی یادگیری

نظریه های شناختی یادگیری به طور قابل توجهی درک ما را از نحوه کسب و حفظ دانش افراد شکل داده است. این نظریه ها بر نقش فرآیندهای ذهنی مانند توجه، ادراک، حافظه و حل مسئله در فرآیند یادگیری تأکید دارند. این بخش به بررسی کاربرد و توسعه نظریه های شناختی یادگیری در بستر خاص ایران می پردازد. این یک مرور کلی از نظریه های شناختی کلیدی، پیامدهای آنها برای آموزش و پرورش و تحقیقات انجام شده در ایران برای ارتقای درک ما از یادگیری از منظر شناختی ارائه می دهد.

بکارگیری نظریه های شناختی یادگیری در بستر آموزشی ایران نقش اساسی در شکل گیری راهبردهای آموزشی داشته است. یکی از نظریه های شناختی بنیادی که بر آموزش و یادگیری در ایران تأثیر گذاشته است، ساخت گرایی است. نظریه های سازنده گرایی، از جمله کار پیازه (۱۹۷۰)، ویگوتسکی (۱۹۷۸)، و برونر (۱۹۹۰)، تأکید می کنند که یادگیری یک فرآیند فعال و معنا ساز است که از طریق تعامل دانش قبلی و اطلاعات جدید رخ می دهد. این رویکرد به طور گسترده در کلاس های درس ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است و دانش آموزان را تشویق می کند تا درک خود را از طریق تجربیات عملی و تعاملات اجتماعی ایجاد کنند (پیاژه، ۱۹۷۰؛ ویگوتسکی، ۱۹۷۸؛ برونر، ۱۹۹۰).

مربیان ایرانی نیز از اصول تئوری بار شناختی (CLT) برای ارتقای طراحی آموزشی استفاده کرده اند. CLT، پیشنهاد شده توسط سولر (۱۹۸۸)، بر محدودیت های حافظه فعال و نیاز به مدیریت بار شناختی در طول یادگیری تمرکز دارد. در زمینه ایران، تحقیقات عباسیان و همکاران. (۲۰۱۶) از اصول CLT برای طراحی محیط های یادگیری

الکترونیکی مؤثرتر، بهینه سازی تعادل بین بار شناختی درونی، خارجی و اصلی برای بهبود نتایج یادگیری استفاده کرد (عباسیان و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۸۲).

فراشناخت، آگاهی و تنظیم فرآیندهای تفکر خود، جزء اصلی نظریه های شناختی یادگیری است. توسعه مهارت های فراشناختی یکی از محورهای اصلی در نظام آموزشی ایران بوده است. دانش آموزان ایرانی تشویق می شوند تا در مورد استراتژی های یادگیری خود فکر کنند، اهداف خود را تعیین کنند و پیشرفت خود را زیر نظر بگیرند. مطالعه ای توسط خسروی و غنی زاده (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر آموزش فراشناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی ایرانی پرداخته است. یافته ها نشان داد که مداخلات فراشناختی به طور قابل توجهی خودتنظیمی و پیامدهای یادگیری دانش آموزان را بهبود بخشید و اثربخشی فراشناخت را در بافت ایرانی نشان داد (خسروی و غنی زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۲۴).

نظریه های اجتماعی-فرهنگی یادگیری، به ویژه نظریه ویگوتسکی (۱۹۷۸)، تأثیر عمیقی بر درک یادگیری در بافت ایرانی داشته است. نظریه ویگوتسکی بر نقش تعاملات اجتماعی و زمینه فرهنگی در رشد شناختی تأکید دارد. محققان ایرانی با در نظر گرفتن تأثیر شیوه های فرهنگی، حمایت خانواده و تعامل با همسالان بر رشد شناختی، تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی را بر نتایج یادگیری مورد بررسی قرار داده اند (ویگوتسکی، ۱۹۷۸).

بافت فرهنگی نیز عامل مهمی در کاربرد نظریه های شناختی در ایران است. مطالعه میرزاخان و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی نقش فرهنگ در شکل دهی به فرآیندهای شناختی در دانش آموزان ایرانی پرداخته است. این پژوهش اهمیت در نظر گرفتن عناصر فرهنگی در طراحی محیطها و مداخلات یادگیری مؤثر را با اذعان به اینکه نظریه های شناختی باید با بافت فرهنگی ایران تطبیق داده شوند، برجسته کرد (میرزاخان و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۳۵۶).

پیشرفت در علوم اعصاب بینش های ارزشمندی را در مورد فرآیندهای شناختی مرتبط با یادگیری ارائه کرده است. در ایران، محققان به بررسی همبستگی های عصبی یادگیری و حافظه پرداخته اند و مکانیسم های مغزی را که زیربنای نظریه های شناختی